

## اقتدار 25 ساله ای، که همچنان به شکنجه و اعتراف متکی است

نقل قولی تاریخی، از احسان طبری، عضو برجسته رهبری حزب توده ایران که در اسارت و زندان بدرود حیات گفت، در سینه تاریخ انقلاب 57 ثبت است.

او، در همان ماه های نخست سال 58 با پیگیری سماجت گونه، رویدادهای منجر به تسخیر و اشغال دو روزنامه آیندگان و کیهان را با جزئیات دنبال می کرد. هرگاه که با نگاه متعجب نقل کنندگان جزئیات این حادثه که برای چندمین بار اطلاعات خود را برای وی تکرار می کردند روبرو می شد، می گفت: «تجربه همه انقلاب های جهان ثابت کرده، نوع تلاش ها و شیوه هایی که حاکمیت های پس از انقلاب، برای تسخیر نخستین سنگرها، با هدف تثبیت حاکمیت خویش به کار گرفته اند، بعدها، این شیوه ها به روش های عام حکومتی تبدیل شده است. چنان، که پس از تثبیت حاکمیت نیز نتوانسته اند از این شیوه دست بکشند و در نبرد "که بر که" درونی و حتی اختلافات داخلی حاکمیت نیز از همین شیوه استفاده کرده اند.»

در آن دوران، حزب الله را با شعار اخراج روزنامه نگاران و یا تعطیل این دو روزنامه به محل انتشار آن ها اعزام می کردند. بعدها که این مرحله پشت سر گذاشته شد، اتهام جاسوسی و وابستگی مطبوعات و اهل مطبوعات به امریکا و اسرائیل باب شد.

گلوی آزادی مطبوعات را (بحث پیرامون زیاده روی ها، چپ نمائی ها و ... این مطبوعات محفوظ است) می خواستند بگیرند و شیوه ابتدائی نیز چنان بود که خواندید. بعدها این شیوه ها کامل شد، همچنان که یورش به مطبوعات و آزادی قلم، تا مرزهای مقابله و سرکوب کل آزادی های سیاسی تکامل یافت. دستگیری، بازداشت، شکنجه، اعتراف گیری، انتشار توبه نامه، نمایش تلویزیونی، وادار ساختن دستگیر شدگان به خودزنی سیاسی و ... سیرتکاملی آن شیوه ایست که در ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی، در نبرد برای تثبیت حاکمیت به کار گرفته شد و بعدها چون به شیوه ای حکومتی تبدیل شد، در تصفیه های درونی حاکمیت و اختلافات درونی نیز از همین شیوه بهره گرفته شد، که ادامه دارد.

به این ترتیب 25 سال است که همگان شاهد این اکروبات امنیتی در جمهوری اسلامی اند، گرچه نسلی و افرادی دیگر در حیات نباشند (امثال لاجوردی) و یا خود به قربانیان این شیوه تبدیل شده باشند، و نسل و افراد دیگری (امثال مرتضوی) جانشین آن ها شده باشند. این شیوه، به عنوان شیوه تثبیت موقعیت و اقتدار حکومتی (تعبیری که علی خامنه ای از اقتدار ارائه می دهد) در جمهوری اسلامی جا افتاده است، حتی اکنون که 25 سال از تاسیس جمهوری اسلامی می گذرد. آنچه که هفته گذشته، با تکرار مضمون کننده بازداشت چند وبلاگ نویس، روزنت نگار و فعال سازمان های غیردولتی، که اکثرا از نسل دوم جمهوری اسلامی اند شاهد بودیم، همان شیوه و همان داستان غم انگیزی است که ریشه های آن به سال 58 باز می گردد.

توبه نامه "جواد تمیمی" و "روزبه رفیع زاده" دو قربانی از جمع قربانیان وبلاگ نویس و روزنت نگار، که هفته گذشته در مطبوعات منتشر شد، ادامه داستان کهنه و 25 ساله ستیز با آزادی است.

ظاهرا، نه حاکمیت درسی از گذشته خود و گذشته شاهنشاهی گرفته و نه پرچم آزادی بر زمین مانده است. به جای بزرگانی که سرشان بر دار رفت و یا در شمار قربانیان قتل های زنجیره ای نامشان ثبت است، نسل دیگری پا به سن آزادی خواهی گذاشته و حاکمیت نیز پاسداران تازه نفس تری را برای مقابله با آزادی جانشین امثال "لاجوردی" کرده است. این ستیز، به شهادت تاریخ،

همیشه به سود آزادی تمام شده است. از این بگيرو ببندها، توقيف ها، اعتراف گيري ها، توبه نامه ها و... تاريخ بسيار به خاطر دارد.